

معنی فنا لاتناهی باشد اما از وجهی که فنا بود و نوع
است **اول** جزوی **دوم** کلی **اول** فنا جزوی آنست
که سالک از تعیین خود بکلی فانی شود **دوم** فنا کلی
آنست که صاحب تجلی جمیع تعینات را غیبیگان
او شهاده جسمانیگان او روحانیاً و راسته انوار
ذات تحت مع تعیین سالک فانی بیند اما هر یک از این
فناها باز منقسم بدو قسم اند **اول** دفعی **دوم** تدریجی
اول فنا جزوی تدریجی آنست که سالک از تعیین و تنخص
خود هر عضوی از اعضا را فانی می بیند تا آن وقت
که تمام فانی شوند **دوم** فنا کلی تدریجی آنست که سالک
هر فردی از افراد موجودات را بتفصیل فانی می بیند

تا آن

تا آن زمان که همه فانی شوند بعد از آن صاحب تجلی هم فانی
شود اما این فنا از تجلیات جمالی باشد **اول** فنا کلی
دفعی آنست که جمیع تعینات جسمانی و روحانی مع تعیین
تعیین صاحب تجلی دفعه واحده فانی شوند و این نوع
فنا از تجلیات جلالی باشد **دوم** فنا جزوی دفعی
آنست که سالک از تعیین خود بکلی دفعه واحده فانی شود
اما اگر چه فنا لا یتناهی است از طرف اعلاء فنا فنا فی الله
است و علامت به بقا بقاء بالله اما چنانکه فنا جزوی
کلی و دفعی و تدریجی دانستی بقا نیز در مقابله فناست
پس چنان می باید داشت **بدان ای عزیز** که اولیاء الله
اگر چه بانواع اند اما از روی کلیت منقسم بچهار قسم اند